



Challenges and Obstacles to the Realization of the Islamic Iranian City Model in Iran's Urbanism System

Seyyed Rasoul Ghazavi¹, Hamidreza Saremi², Hashem Dadashpoor³

Received: 2023-12-13, Accepted: 2024-02-26

DOI: 10.22034/RAU.2024.2017815.1072

Abstract

The focus and intellectual basis of urban planning movements during a century that has passed from the life of planning, has not been in the perfection and felicity of man and society, but in the economy and its dynamics with focus on material things. A study of contemporary urban planning theories shows that the macro goal and the intellectual framework that illuminates their way are influenced by the materialist definition of man, and its goals are defined in terms of materiality and originality of resources. This is while Islamic scholars, in introducing the utopia, have dealt with the importance of human status and the lofty goals of his life, as well as the appropriate environment for human growth. Such a city is built on the principles and rules that make it possible to follow the behavioral patterns of Islamic law to achieve a good human life.

On the other hand, taking into account that every civilization creates the structure and mechanism of the social life of people based on its teachings, values, and norms, it is necessary in the second phase of the Islamic revolution must move toward the establishment of a new Islamic civilization, the city and its development patterns; as the structure and mechanism of the collective life of people, it is formed based on the cultural, social, economic, political, security and physical factors emphasized by Islam and appropriate to Iran's ecosystem. To achieve such a model, numerous studies and research have been done so far, but the point that has been neglected is the lack of attention to the necessary context for operating the Islamic Iranian city model and the obstacles to its realization.

Imported and imitative urban development models that are the basis of urban development policies and plans in Iran, regardless of their origins and background and disregarding their context, have been brought as a healing prescription for Iran's urbanism system. However, the experience of more than five de-

-
1. Master of Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: sr.ghazavi@modares.ac.ir
 2. Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: saremi@modares.ac.ir
 3. Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: h-dadashpoor@modares.ac.ir

ades since the introduction of this urban development model to the country shows that these models and plans have failed to achieve their goals to provide a favorable environment for citizens and improve their quality of life.

Considering the problems of the current urban development models and plans and the need to provide a quality place for the citizens to live and the basis for their growth and excellence, it is necessary to pay attention to the native Islamic Iranian city model. Therefore, after introducing the principles and components of the Islamic Iranian city model, the present study tries to provide a comprehensive pathology of the current situation in line with the obstacles to the realization of the Islamic Iranian city model in Iran's urbanism system.

To achieve the challenges to the realization of the Islamic Iranian city model, eleven interviews were conducted with experts and city officials. The people selected for the interview are professionally and directly related to this field. Therefore, their expression in this matter can help us approach the reality of the issue and the challenges as closely as possible. In the present study, we used the qualitative content analysis method; because achieving the depth and meaning of the interview text and finding the root of the challenges to the realization of the Islamic Iranian city model is very important in this research. For this purpose, we used ATLAS. ti (7.5.7) software to analyze the interviews.

Three stages of open coding, axial coding, and selective coding were performed in the analysis of the interviews to achieve a level of information systematization and integration based on which we can answer the main research question. The result of the analysis of the interviews is the achievement of 133 codes, 12 sub-themes, and 4 themes. Challenges and obstacles to the realization of the Islamic Iranian city model in four areas theoretical challenges, legislative challenges, structural challenges, and functional challenges were achieved, and each of which and its subset were analyzed.

The challenges related to the theoretical theme deal with educational and university problems and the lack of definition and discourse in the field of the Islamic Iranian city model. In the legislative theme, the issues related to the field of legislation and the formulation of laws and regulations, and the problems and issues that exist in the subject of urban regulations and rules are discussed. In the structural theme, some flaws in the institutional and executive mechanisms and processes of Iran's urbanism system are investigated. The functional theme assesses the performance of managers, planners, and executive institutions. It explores the challenges of urban development plans within the urbanism system.

Finally, after analyzing research findings and theoretical studies, solutions for establishing a conducive context for realizing the Islamic Iranian city model are proposed.

Keywords: Islamic Iranian City Model, Content analysis, Iran's urbanism system, Islamic urbanism

چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی در نظام شهرسازی ایران^۱

سید رسول قاضوی^۲، حمیدرضا صارمی^۳، هاشم داداش‌پور^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲-۰۹-۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲-۱۲-۰۷

DOI: 10.22034/RAU.2024.2017815.1072

چکیده

کانون توجهات و مبنای فکری پوی‌های شهرسازی در طول یک قرن که از عمر برنامه‌ریزی می‌گذرد، نه در سعادت و کمال انسان و جامعه، بلکه در اقتصاد و پویایی آن با محوریت مادیات بوده است. این در حالی است که محققین اسلامی در مسیر معرفی مدینه فاضله، به اهمیت جایگاه انسان و اهداف متعالی زندگی او و همچنین محیط مناسب برای رشد انسان پرداخته‌اند. لذا در راستای دستیابی به چنین مدلی، پژوهش‌های متعددی تاکنون صورت گرفته است، اما نکته‌ای که در این میان مغفول مانده است عدم توجه به زمینه و بستر لازم جهت عملیاتی کردن الگوی شهر ایرانی اسلامی و موانع تحقق‌پذیری آن است. از این‌رو پژوهش حاضر تلاش دارد، آسیب‌شناسی جامعی از وضعیت کنونی در راستای موانع اجرای الگوی شهر ایرانی اسلامی در نظام شهرسازی ایران ارائه دهد. جهت دستیابی به چالش‌های تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی، یازده مصاحبه با متخصصین و مدیران این حوزه صورت پذیرفت. در پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی و نرم‌افزار اطلس تی جهت تحلیل مصاحبه‌ها استفاده شده است. حاصل تحلیل مصاحبه‌ها دستیابی به ۱۳۳ کد، ۱۲ مقوله و ۴ بعد است. چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی در چهار حوزه چالش‌های نظری، چالش‌های تقنینی، چالش‌های ساختاری و چالش‌های عملکردی به دست آمد که به تحلیل هر یک و زیرمجموعه آن‌ها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: الگوی شهر ایرانی اسلامی، تحلیل محتوا، نظام شهرسازی ایران، شهرسازی اسلامی

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته برنامه‌ریزی شهری است که در خرداد ۱۴۰۱ در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی آقای دکتر حمیدرضا صارمی و مشاوره آقای دکتر هاشم داداش‌پور از آن دفاع شده است.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، رشته برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: sr.ghazavi@modares.ac.ir

۳. دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
Email: saremi@modares.ac.ir

۴. دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
Email: h-dadashpoor@modares.ac.ir



مقدمه

لذا با توجه به مشکلات الگوها و طرح‌های توسعه شهری کنونی و از طرفی با توجه به اینکه هر تمدنی، ساختار و سازوکار زیست جمعی افراد را بر اساس آموزه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خود ایجاد می‌کند، لازم است در گام دوم انقلاب اسلامی جهت حرکت به سوی برپاسازی تمدن نوین اسلامی، شهر و الگوهای توسعه آن را به عنوان ساختار و سازوکار زیست جمعی افراد، بر اساس عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و کالبدی مورد تأکید اسلام و متناسب با زیست‌بوم ایران شکل داد. در راستای دستیابی به چنین مدلی، مطالعات و پژوهش‌های متعددی تاکنون صورت گرفته است؛ هرچند آنچه تاکنون شده با آنچه باید بشود دارای فاصله‌ای ژرف است، اما نکته‌ای که در این میان مغفول مانده است عدم توجه به زمینه و بستر لازم جهت عملیاتی کردن الگوی شهر ایرانی اسلامی و موانع تحقق‌پذیری آن است. ارائه توصیه‌های کلی و چشم‌اندازها و افق‌های مطلوب، بدون توجه به واقعیت‌های موجود و روندهای نهادی و اجرایی نظام شهرسازی کشور، حاصلی در پی نخواهد داشت. از این‌روی پژوهش حاضر تلاش دارد آسیب‌شناسی جامعی از وضعیت کنونی در جهت دستیابی به موانع و چالش‌های پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی اسلامی در نظام شهرسازی ایران ارائه دهد که در گذشته کمتر بدان پرداخته شده است.

ادبیات نظری پژوهش

یک شهر به‌طورعام از سه رکن تشکیل شده است؛ رکن اول، انسان است که به عنوان اصلی‌ترین عنصر شهر و مهم‌ترین عامل در پدید آمدن و اداره شهر قلمداد می‌شود. که خود متشکل از دو جزء شهروندان و مدیر شهر است. مدیر شهر به‌تمامی افرادی که در اداره، مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی شهری دخیل‌اند، اطلاق می‌شود. رکن دوم، قوانین و مقررات، و رفتار و شیوه‌های تعامل اهل شهر با یکدیگر و با محیط طبیعی و مصنوع است. و رکن سوم، کالبد و سیستم‌های فیزیکی شهر است. به‌بیان‌دیگر سه قلمرو اصلی شکل‌دهنده شهر که اولین وجه؛ وجه فکری و اعتقادی انسان است. وجه دوم؛ وجه فرهنگی، اخلاقی، رفتاری و عملی انسان است. و بالاخره وجه سوم؛ وجه کالبدی است که حاصل عمل انسانی و فضای رفتارها و تجلیگاه باورهای اوست. حال ارکان شهر اسلامی بر اساس این سه قلمرو تعیین می‌گردد. در وجه اول یعنی وجه فکری و اعتقادی، در شهر اسلامی

برنامه‌ریزی و طراحی شهری و هر نوع طرح توسعه‌ای برای پاسخگویی به نیازهای انسان شکل می‌گیرد، این در حالی است که متناظر با هر نوع جهان‌بینی و مکتب فکری و فلسفی تعاریف مختلفی از نیازهای انسان و سلسله‌مراتب اهمیت آنها و نحوه پاسخگویی به آنها وجود دارد. بر این اساس در ادبیات نظری شهرسازی جهان، مقابل هر یک از انواع حکومت‌ها و بنیان‌های فلسفی و اندیشه‌های پایه آن‌ها، نظام‌های شهرسازی مختلفی شکل گرفته‌اند، و به تبع آن شهرسازی با نظام‌های فکری متفاوت پدید آمده‌اند. هر یک از نظام‌های شهرسازی دارای اهداف و خط مشی مشخص و شهرساز دارای ویژگی‌های خاص خود است (نوری، ۱۳۹۷).

از این‌رو بر مبنای نگاه مادی‌گرایانه و اومانستی (انسان‌مدارانه) حاکم بر بینش‌ها و نگرش‌های تمدن مدرن، کانون توجهات و مبنای فکری پوی‌های شهرسازی در طول یک قرن که از عمر برنامه‌ریزی می‌گذرد، نه در سعادت و کمال انسان و جامعه، بلکه در اقتصاد و پویایی آن با محوریت مادیات بوده است (برگرفته از رفیعیان، ۱۳۹۵). این در حالی است که محققین اسلامی در مسیر معرفی مدینه فاضله، به اهمیت جایگاه انسان و اهداف متعالی زندگی او و همچنین محیط مناسب برای رشد انسان پرداخته‌اند. چنین شهری بر پایه اصول و قواعدی بنا شده که انجام الگوهای رفتاری شریعت اسلامی جهت نیل به حیات طیبه انسانی را ممکن می‌نماید (هاشمی طغراجرودی، ۱۳۹۵).

اما متأسفانه بدون توجه به این مهم، الگوهای توسعه شهری وارداتی و تقلیدی بدون توجه به ریشه‌ها و بستر شکل‌گیری آن‌ها و عدم توجه به زمینه‌های بوم آورد، به عنوان نسخه‌ای شفاف‌بخش برای نظام شهرسازی ایران تجویز شده‌اند و مبنای سیاست‌گذاری‌ها و طرح‌های توسعه شهری در ایران قرار گرفته‌اند. تجربه بیش از پنج دهه از ورود این مدل الگوهای توسعه شهری به کشور، نشان می‌دهد این الگوها و طرح‌ها در دستیابی به اهداف خود در جهت تأمین محیطی مطلوب برای زیست شهروندان و ارتقای کیفیت زندگی آنان ناکام بوده‌اند. ارجاع بسیار زیاد طرح‌های توسعه شهری به کمیسیون ماده ۵ و مصوبات بیش‌ازحد این کمیسیون و ناسامانی‌های موجود در شهرهای کنونی، نشان از عدم تحقق‌پذیری و عدم موفقیت این طرح‌ها است.

ویژگی‌ها و فضاها و عناصری است که مردم را در شیوه زیست مورد نظر و مورد علاقه‌شان راهبری و کمک می‌کند؛ و ثالثاً، بر تحولات فرهنگی و ساماندهی رفتارهای مردمان تأثیر دارد. از سوی دیگر، اسلام از ادیان و مکاتبی است که در محیط شهری نضج یافته و اصولاً نسبت به شهرنشینی نظری کاملاً مساعد و تشویق‌آمیز دارد؛ و از سوی دیگر، نسبت به جمع و جماعت نیز التفاتی خاص دارد؛ و لذاست که نمی‌تواند نسبت به موضوعات مختلف مرتبط با شهر بی‌تفاوت باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۴). در مدل شهر اسلامی همه نیازهای مادی و معنوی انسان، مورد توجه است و ساختار شهر بر اساس این نیازها ساختار می‌یابد. غایت فراهم‌آوری مکان باکیفیت یا هدف در شهر اسلامی، مهیاسازی انسان برای پیمودن مسیر تعالی است.

در این بخش جهت آشنایی با مطالعات صورت گرفته در حوزه شهرسازی ایرانی اسلامی، خلاصه‌ای از برخی منابع بررسی شده در این حوزه مورد اشاره قرار گرفته است.

حیبیان و جلالیان (۱۳۹۴) در پژوهش خود تحت عنوان «تطبیق شاخصه‌های شهرسازی اسلامی در فضای شهری»، در ابتدا به تعریف و ماهیت شهر اسلامی پرداخته‌اند و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی را تبیین نموده‌اند؛ که شامل اصل توحید و خدامحوری، حفظ کرامت و عزت نفس آدمی، عدالت، آزادی و برابری، امنیت، اصل مسئولیت و عطف به طبیعت می‌شود. در ادامه به بررسی شاخص‌های شکل‌گیری شهرسازی اسلامی و تطبیق این شاخصه‌ها با فضای شهری امروز و استخراج معیارهای مشترک پرداخته شده است. در این پژوهش ۷ معیار؛



تصویر ۱. عوامل شکل‌دهنده الگوی شهر ایرانی اسلامی.

انسان برخوردار از جهان‌بینی توحیدی است. در وجه دوم، فضای عمل و رفتار او و قوانین شهری برگرفته از ارزش‌های اسلامی و دستورات و بایده‌نهای اسلام است. و وجه سوم یعنی فضای عینی و کالبدی شهر نشئت گرفته از دو رکن قبلی، به‌اضافه شرایط خاص محیطی، اقتصادی، فنی و هنری است، که تجلیگاه باورها و ارزش‌های اسلامی است و زمینه و بستر مناسب را برای زندگی مطلوب اسلامی مهیا می‌نماید (برگرفته از نقی‌زاده، ۱۳۸۹).

برای تحقق شهر اسلامی وجود هر سه وجه ذکرشده، ضروری است. بنابراین تعریف شهر اسلامی صرفاً بر اساس یک نوع کالبد خاص و مشخصات هندسی مشخص، امری اشتباه است. حاکم بودن اصول اسلامی و ارکان خاص آن و وجود رفتارهای شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی و سنت‌های پیامبر (ص) قبل از هر چیز دیگر نشان از اسلامی بودن شهر است و می‌بایست در عناصر و مؤلفه‌های دیگری که نه تنها کالبد، بلکه روح و هویت شهرها را می‌سازند به دنبال نشانه‌هایی از زیست مسلمانان و الگوهای یک شهر اسلامی بود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

شهری که نظم و روابط اجتماعی‌اش مبتنی بر اصول و قواعد اسلامی نباشد، شهری اسلامی نیست. شهر اسلامی زمانی تحقق می‌یابد که افراد در عالم دینی قرار گیرند و به این اصول و مبانی ایمان داشته باشند. شهر اسلامی بدون تردید صرفاً با ساختن مسجد، حسینیه، و مظاهر دینی و... اسلامی نمی‌شود، بلکه در صورتی تحقق می‌یابد که عالم دینی تحقق یافته باشد و در اینجا است که با ایجاد شهرهای اسلامی می‌توان به سوی تحقق تمدن اسلامی گام برداشت (مولائی، ۱۳۹۶).

شهر اسلامی شهری است که همه نیازهای معنوی و روانی و جسمی ساکنان خود را تأمین نموده و هیچ نیازی را مغفول نمی‌گذارد. شهر اسلامی یک مفهوم و یک صورت است که مبانی و ارکان و صفات و الگوی آن از تعالیم اسلام قابل استنتاج است؛ و تحقق آن در عالم خارج، بسته به شرایط زمان و مکان، امکانات در دسترس و فرهنگ بومی تجلیات متفاوتی خواهد داشت (نقی‌زاده، ۱۳۸۹). (تصویر ۱)

در خصوص ارتباط اسلام (و هر مکتب فکری و فرهنگی دیگر) با شهر می‌توان گفت که: شهر، اولاً تجلی باورها و آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی مردم است؛ ثانیاً، مشتمل بر



مقیاس انسانی/زیبایی بصری و معنایی، هویت و حس تعلق به فضا، مشارکت و تعاملات اجتماعی، ایمنی و امنیت/آسایش و آرامش، عدالت/تعادل و خوانایی به عنوان معیارهای مشترک انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در نهایت پیشنهادها و راهکارهای اجرایی جهت عینیت یافتن شاخصه‌های فضای شهری با هویت ایرانی اسلامی ارائه شده است.

هاشم‌پور (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «معماری و شهرسازی اسلامی در فرم یا در معنا»، درصدد باز کردن مفاهیم و انتظارات موردنظر اسلام از معماری و شهرسازی و همین‌طور مشخص کردن عناصر شاخص فضاهای اسلامی است. وی عنوان می‌کند معماری و شهرسازی اسلامی چیزی به‌جز مفهوم و معنا نیست و شکل و فرم در صورت ایجاد مفهوم و معنا در آن فضا شکل و فرم اسلامی پیدا کرده و به فضای اسلامی تبدیل می‌گردند. او بیان می‌کند هر فضایی؛ معماری و یا شهری، در هر مکانی؛ در اروپا و یا در آسیا و در هر زمانی؛ در گذشته، حال و یا آینده می‌تواند فضای اسلامی باشد مشروط بر اینکه در آن فضا انسان به تعالی، آرامش، نگرش اجتماعی و کرامت والای انسانی برسد. همین‌طور معتقد است در بحث برنامه‌ریزی شهر محلات اسلامی و یا شهرهای اسلامی، هدف ایجاد روابط اجتماعی آن فضاهاست و نه شکل هندسی و کاربرد خاص آن. بیات (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی»، به منظور تحلیل شهر از دیدگاه اسلام و احصای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شهر اسلامی، نظریه‌های سه تن از متفکران مسلمان شامل ابن خلدون و فارابی از متقدمین و خانم ابراهیم از متفکران مسلمان معاصر را بررسی نموده است و معتقد است در چارچوب نظری مورد توجه در اسلام، بر سه مؤلفه انسان (مسلمان)، فضای اجتماعی (فضای مسلمانی) و فضای کالبدی (سیمای اسلامی) شهر تأکید شده است. او در این مقاله اثبات می‌کند که اسلام دارای نظریه شهری است که در این الگوی نظری، شهر اسلامی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاص خود را دارد. همچنین مطرح می‌کند در مورد شهر اسلامی بر محله‌گرایی تأکید می‌شود و این راهبرد از جمله راهبردهای اولیه نبی مکرم اسلام (ص) در مدینه با تأکید بر شکل‌دهی شهر بر اساس سیاست کلان انسجامی و درعین حال بر اساس فضاگزینی ژئو اجتماعی قبایل و به‌ویژه با راه‌اندازی سقیفه‌ها بود. این کانون به عنوان مرکزی برای همفکری، همیاری و همکاری هر قبیله در نظر گرفته شده بود.

رضایی (۱۳۹۲) در پژوهش خود تحت عنوان «ارزش‌های جاوید و جهان‌گستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرش‌های فراکالبدی و فرازمانی شهر اسلامی)»، توان به‌کارگیری ارزش‌های شهرسازی اسلامی را در دوره امروزی و برای گستره جهانی آشکار نموده است. تمرکز پژوهش بر پنداره‌ها و سوبه‌های فرا کالبدی شهر اسلامی است و چهار ویژگی و بن‌مایه شهر اسلامی شامل دادگستری، یگانگی با گوناگونی، پرمایگی با ناهمگونی و سازش‌پذیری با خردورزی تبیین گردیده است. این مقاله اثبات می‌کند انگاره‌هایی که اکنون در شهرسازی امروزی از آنها استفاده می‌شود، پیش‌تر در شهرهای اسلامی به کار می‌رفته است ولی کمتر نگرش شده است. یافته بنیادی این نوشتار این است که ارزش‌های شهرسازی اسلامی فرای کالبد، جای و زمان است و می‌توان از آنها در گسترش شهرهای جهانی امروز بهره برد.

رفیعیان (۱۳۹۵) در رساله خود تحت عنوان «کیفیت معنای مکان‌های عمومی شهری در اندیشه اسلامی ایرانی»، با تکیه بر تئوری‌های مبتنی بر اندیشه اسلامی ایرانی و مصادیق مکان‌سازی با کیفیت و پیمایش نظرات استفاده‌کنندگان از آن مکان‌ها (مردم)، سعی در توجه به زمینه دارد. این رساله بیان می‌کند برخی شاخص‌ها در فهم کیفیت مکان نسبت به بقیه مؤثرترند، این اولویت‌بندی از چارچوب فکر و اندیشه سرچشمه می‌گیرد و اندیشه هر جامعه به عنوان پشتوانه فکری نظری آن جامعه نقشی بی‌بدیل در فرایند ادراک ساکنان و معنابخشی به احساسات آنان در فضاهای شهری دارد. در این پژوهش شاخص‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری کیفیت معنای مکان در ذهن شهروندان از نگاه مطالعات شهرسازی اسلامی بیان گردیده است. همچنین الگوی کیفیت معنای مکان مبتنی بر اندیشه اسلامی ایرانی ارائه شده است.

محمدی، مویدفرو صفر آبادی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «شهر اسلامی، شهری ورای گنبد و مناره»، تنها وجود مساجد، گنبدها و مناره‌ها در بافت یک شهر را به معنای اسلامی بودن آن شهر ندانسته، بلکه حاکم بودن اصول اسلامی و ارکان خاص آن و وجود رفتارهای شهروندی بر اساس آموزه‌های اسلامی و سنت‌های پیامبر (ص) را قبل از هر چیز دیگر نشان از اسلامی بودن شهر دانسته‌اند و می‌بایست در عناصر و مؤلفه‌های دیگری که نه تنها کالبد، بلکه روح و هویت شهرها را می‌سازند به دنبال نشانه‌هایی از زیست مسلمانان و الگوهای یک شهر اسلامی

الگوی شهر ایرانی اسلامی صورت پذیرد، از این روی روش مصاحبه باز برای انجام مصاحبه‌ها انتخاب گردیده است. در این گونه مصاحبه دخالت و نفوذ اندکی از سوی پژوهشگر در جریان مصاحبه اعمال می‌شود و مصاحبه شونده در آن آزاد است درباره هرآنچه به نظرش با اهمیت می‌نماید، صحبت کند.

شیوه نمونه‌گیری در پژوهش، متناسب با روش کیفی و در هماهنگی با هدف تحقیق، نمونه‌گیری هدفمند است. در این شیوه افرادی برای مصاحبه انتخاب می‌شوند که می‌توانند در فهم مسئله پژوهش و موضوع محوری مطالعه مؤثر باشند و در ارتباط با اهداف خاص مرتبط با سؤال‌های تحقیق پدیده‌ترین هستند. جامعه آماری پژوهش از طریق نمونه‌گیری انتخابی بر اساس قضاوت پژوهشگر که به صورت غیر تصادفی عناصر نمونه برگزیده می‌شوند، صورت گرفت. به همین منظور افرادی برای مصاحبه انتخاب شدند که تجربه و دانش کافی در نظام شهرسازی ایران و در حوزه شهر ایرانی-اسلامی را دارند.

در پژوهش کیفی هیچ قاعده‌ای برای تعیین حجم نمونه وجود ندارد، کفایت نمونه را باید در متن خود پژوهش ارزیابی کرد، بنابراین پژوهش با افراد نمونه تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که پاسخ‌های داده شده به هر سؤال تا اندازه زیادی به هم شبیه بوده، اطلاعات جدید از مصاحبه به دست نیاید و اصطلاحاً به اشباع نظری برسیم.

جهت دستیابی به پرسش اصلی پژوهش؛ یعنی چالش‌های تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی، یازده مصاحبه با متخصصین و مدیران این حوزه صورت پذیرفت. به صورت کلی از مجموع ۱۱ مصاحبه، ۶ مصاحبه با مدیران و مجریان رده بالای نظام شهرسازی کشور اعم از مسئولین وزارت راه و شهرسازی، مدیران کل شهرداری تهران و شورای شهر تهران صورت پذیرفت، تعداد ۵ مصاحبه نیز با استادان و متخصصان این حوزه از دانشگاه‌های تهران، علم و صنعت و تربیت مدرس صورت گرفت. جهت تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (Hsieh & Shannon, 2005). عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا

بود. این مقاله همچنین بیان می‌دارد آیات قرآن برای طراحی و ساخت محیط زندگی، جزئیاتی را که مربوط به امور فنی و راهکارها هستند (به‌ظاهر) معرفی نمی‌نماید، ولی اصولی را مطرح می‌کند که این اصول باید در تمام شئون زندگی انسان از جمله ساخت شهر و محیط زندگی لحاظ گردند. این لحاظ نمودن، سبب خواهد شد که اگرچه شهرهای مسلمانان در نقاط جهان و در شرایط اقلیمی متفاوت و امکانات و مصالح گوناگون بنا می‌شوند، دارای روح و هویت مشترک و واحدی باشند.

روش‌شناسی

در این بخش فرایند تحقیق و مسیر طی شده برای دستیابی به نتایج نهایی تبیین می‌گردند. این پژوهش به دنبال دستیابی به چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی از دیدگاه مدیران و متخصصین این حوزه است؛ چراکه این افراد به صورت تخصصی و مستقیم با این حوزه در ارتباط بوده، لذا بیان آنها در این خصوص می‌تواند ما را هر چه بیشتر به واقعیت موضوع و چالش‌های موجود نزدیک نماید. از این رو متناسب با ماهیت موضوع، روش پژوهش، کیفی خواهد بود.

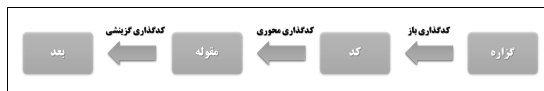
پژوهش‌های کیفی که مبتنی بر پارادایم تفسیری‌اند، بر درک معنای رویدادها توسط افراد تحت مطالعه استوارند (Pat-2002, ton). در این حالت نگاه به پدیده‌ها، نگاهی کل‌گرایانه و جامع‌نگر است و دنبال کردن این روش، راهی است برای کسب آگاهی از طریق کشف معانی پدیده‌ها. در این روش برخلاف روش کمی، وجود عامل انسانی نقش داشته و برای دیدگاه افراد مورد تحقیق ارزش قائل می‌شویم.

پارادایم حاکم بر این پژوهش، «تفسیری» و منطبق پژوهش «استفهامی» است. این پژوهش به دنبال فهم همدلانه و درک چرایی عدم تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی-اسلامی در نظام شهرسازی ایران است. از این روی به تفسیر ذهنی کنشگران فعال در حوزه موضوع پژوهش پرداخته و با درک مفهومی واقعیت در پی علت‌یابی چالش مورد بحث هستیم. به این منظور از شیوه مصاحبه برای گردآوری داده‌های پژوهش استفاده شده است. شیوه به کار گرفته شده به منظور گردآوری داده‌ها «مصاحبه باز» خواهد بود. این امر بدین دلیل است که مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، از صاحب‌نظران و خبرگان موضوع مورد مطالعه هستند و هدف نیز کشف اطلاعات عمیق و دقیق در حوزه موضوع پژوهش است تا تبیین درستی از علل عدم تحقق‌پذیری



پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. از آنجاکه دست‌یابی به عمق و معنای متن مصاحبه‌ها و ریشه‌یابی چالش‌های محقق شدن الگوی شهر ایرانی اسلامی در این پژوهش اهمیت بسیاری دارد، روش تحلیل محتوای کیفی جهت تحلیل مصاحبه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. موفقیت تحلیل محتوای کیفی بستگی بسیاری به فرایند رمزگذاری دارد که فرایند بنیادین رمزگذاری، سازمان‌دهی مقدار فراوانی از متن در قالب دسته‌بندی کوچک‌تر است.

بدین منظور نرم‌افزار اطلس تی (ATLAS.ti 7.5.7) جهت تحلیل مصاحبه‌ها به کار گرفته شد. با ابزارهایی که این نرم‌افزار در اختیار محقق قرار می‌دهد، مراحل کدگذاری و مقوله‌بندی در تحلیل مصاحبه‌ها را می‌توان با سرعت و دقت بیشتری انجام داد و با خروجی‌های مختلفی که ارائه می‌دهد امکان ارزیابی جامع‌تری را فراهم می‌نماید.



تصویر ۲. فرایند کدگذاری - مقوله‌بندی در مصاحبه‌ها.

در این پژوهش در راستای تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، ابتدا متن هر مصاحبه مکتوب می‌شود. بعد از مطالعه و بازخوانی متن مصاحبه‌ها، قسمت‌های مهم و کلیدی هر مصاحبه که در پاسخ به پرسش پژوهش می‌باشند به صورت یک گزاره مشخص گردیده و هر گزاره در قالب یک یا چند کد خلاصه می‌شود (کدگذاری باز). در این مرحله برای کسب اطمینان از فرایند انجام شده و یادداشت‌برداری همه نکات مهم، متن مصاحبه‌ها مجدد بازخوانی شده و با بخش‌های مهم مشخص شده مقایسه می‌گردند. ممکن است در این مرحله کدهایی اضافه یا حذف گردند. در گام آخر کدهای حاصل از هر مصاحبه که در ارتباط با یکدیگر می‌باشند، در قالب یک مفهوم جزئی (مقوله) قرار داده می‌شوند (کدگذاری محوری). در گام بعد، مفاهیم جزئی که با یکدیگر در ارتباط می‌باشند در یک مفهوم کلی (تم) قرار می‌گیرند (کدگذاری گزینشی). بدین صورت فرایند طبقه‌بندی و کدبندی متن مصاحبه‌ها صورت می‌پذیرد. در واقع پس از طی چند مرحله تحلیل اطلاعات، به سطحی از نظام‌یافتگی و یکپارچگی اطلاعاتی دست یافتیم که بتوانیم بر اساس آن به جمع‌بندی و پاسخ به پرسش اصلی پژوهش بپردازیم. (تصویر ۲)

در پژوهش حاضر در جهت قابلیت اعتبار یافته‌ها، سعی شد با نمونه‌گیری هدفمند و با انتخاب مصاحبه‌شوندگان با تجربه‌های گوناگون اعم از مدیران و متخصصین حوزه مورد مطالعه؛ که به صورت تخصصی و مستقیم با این حوزه در ارتباط بوده و بیان آنها می‌تواند ما را هر چه بیشتر به واقعیت

در ادامه روش انجام سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی به همراه تصاویری از نرم‌افزار اطلس تی عنوان گردیده است.

کدگذاری باز

در مرحله کدگذاری باز به هر یک از عبارات و جملاتی از مصاحبه‌ها که حاوی مفاهیم و مضامین مرتبط با مسئله تحقیق بودند، یک یا چند کد مفهومی اختصاص داده شد. به‌عنوان مثال:

گزاره (کوتیشن): «پیاده‌رو ما وقتی که نیم متر باشد، چطور به کرامت انسانی توجه کنیم. همه را به گسترش ماشین اختصاص دادیم. عرض خیابان‌ها را بیشتر می‌کنیم، عرض پیاده‌رو را کمتر می‌کنیم. در حالی که در دنیا برعکس این هست؛ عرض خیابان‌ها کمتر می‌شود، عرض پیاده‌روها بیشتر.»

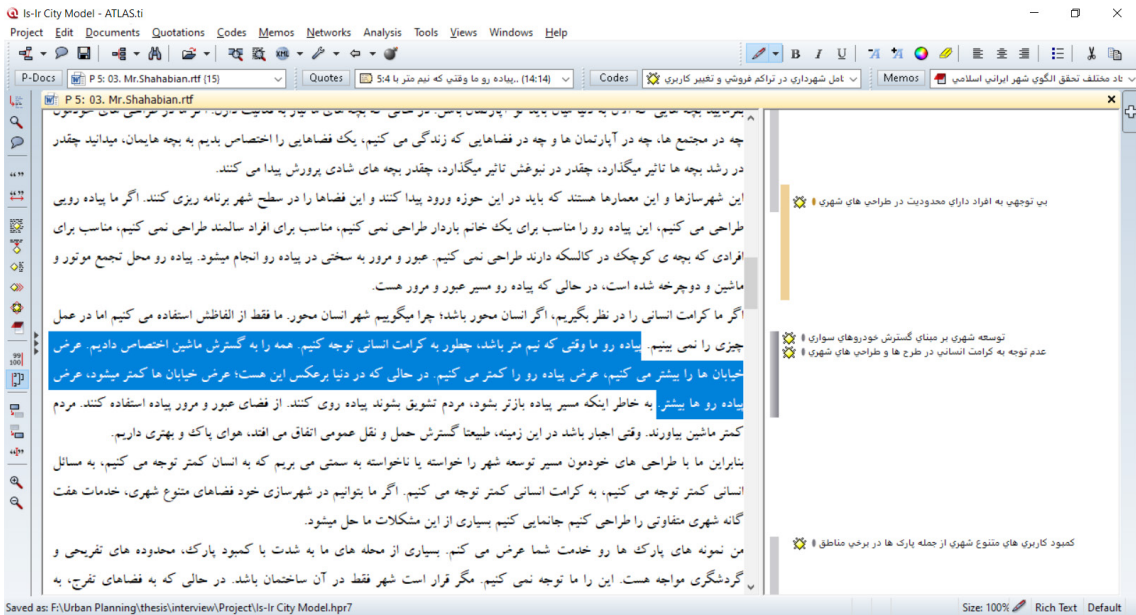
مفهوم (کد) اختصاص داده شده: عدم توجه به کرامت انسانی در طرح‌های شهری، توسعه شهری بر مبنای گسترش خودروهای سواری. (تصویر ۳)

کدگذاری محوری

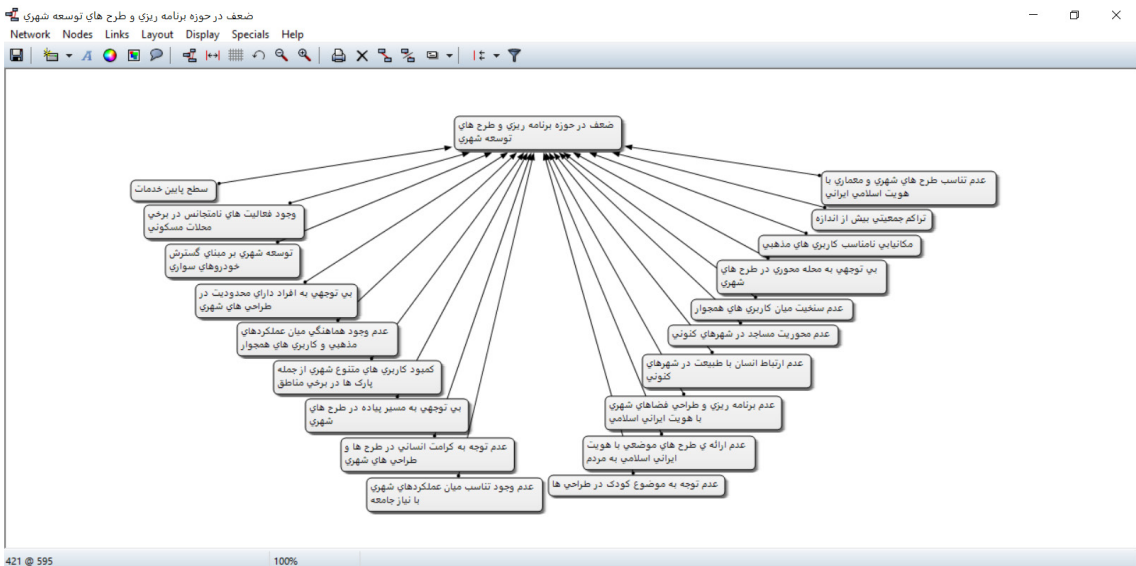
در این مرحله مجموعه‌ای از کدهای به‌دست‌آمده که دارای ارتباط مفهومی و معنایی با یکدیگر بودند را تحت عنوان مقوله دسته‌بندی نمودیم. به عنوان نمونه:

با طبیعت در شهرهای کنونی، سطح پایین خدمات، بی‌توجهی به افراد دارای محدودیت در طراحی‌های شهری، عدم توجه به کرامت انسانی در طرح‌ها و طراحی‌های شهری و...
مقوله اختصاص داده شده: ضعف در حوزه برنامه‌ریزی و طرح‌های توسعه شهری. (تصویر ۴)

مفاهیم (کدها): عدم سنخیت میان کاربری‌های هم‌جوار، توسعه شهری بر مبنای گسترش خودروهای سواری، تراکم جمعیتی بیش‌ازاندازه، عدم تناسب طرح‌های شهری و معماری با هویت اسلامی ایرانی، مکان‌یابی نامناسب کاربری‌های مذهبی، بی‌توجهی به محله محوری در طرح‌های شهری، عدم محوریت مساجد در شهرهای کنونی، عدم ارتباط انسان



تصویر ۳. کدگذاری باز در نرم‌افزار اطلس‌تی.



تصویر ۴. کدگذاری محوری در نرم‌افزار اطلس‌تی.



کدگذاری گزینشی

در مرحله سوم از طریق کنار هم قرار دادن چند مقوله که با یکدیگر دارای ارتباط مفهومی بودند، به مقولات کلی یا ابعاد (تم) پژوهش دست یافتیم. برای مثال:

مقولات: ضعف در حوزه برنامه‌ریزی و طرح‌های توسعه شهری، ضعف مدیران و مجریان، مشکلات کالبدی-فضایی، مشکلات نهادی

بعد (تم): عملکردی (تصویر ۵)

تحلیل یافته‌های پژوهش

این قسمت به بررسی و تبیین ابعاد و مقولات به‌دست‌آمده، به همراه کدها و گزاره‌های زیرمجموعه آن، براساس مصاحبه‌های انجام‌شده می‌پردازد.

بعد چالش‌های نظری

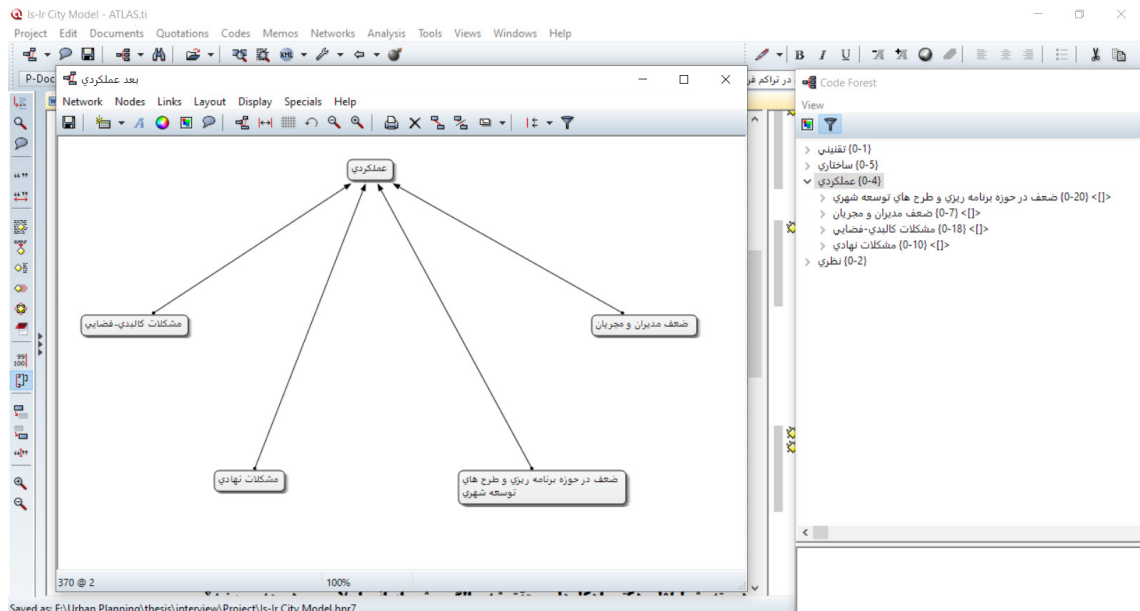
اولین چالش در راستای پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی اسلامی، عدم تبیین صحیح این الگو، فقدان تعریفی مشخص و عدم ارائه راهکارهای عملیاتی جهت پیاده‌سازی این الگو برای نهادهای مجری است که در این زمینه مراکز علمی و دانشگاه‌ها نقش اصلی را ایفا می‌نمایند. چالش‌های مربوط به بعد نظری به مشکلات آموزشی و دانشگاه و فقدان تعریف و گفتمان در حوزه الگوی شهر ایرانی اسلامی می‌پردازد.

تحلیل مصاحبه‌ها در این بعد حاکی از آن است که در نظام آموزشی و سرفصل‌های درسی دانشگاه‌ها لازم است بازنگری گردیده و در کنار بهره‌گیری و الگوبرداری از مباحث نظری و تجارب مفید اجرایی سایر کشورها، اصول و مبانی فرهنگ و هنر اسلامی متناسب با هویت ایرانی در مباحث درسی گنجانده

یافته‌های پژوهش

حاصل تحلیل مصاحبه‌ها دستیابی به ۱۳۳ کد، ۱۲ مقوله و ۴ بعد است. چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی در چهار حوزه چالش‌های نظری، چالش‌های تقنینی، چالش‌های ساختاری و چالش‌های عملکردی به دست آمد.

از طریق طی کردن مراحل عنوان شده در بخش روش‌شناسی پژوهش در ارتباط با اطلاعات جمع‌آوری شده از مصاحبه‌های انجامی، به دوازده مقوله کلی دست یافته شد. هرکدام از این مقولات به یک وجه از موانع و چالش‌های محقق شدن الگوی شهر ایرانی اسلامی در نظام شهرسازی ایران اشاره می‌کنند که در چهار حوزه اصلی چالش‌های نظری، چالش‌های تقنینی، چالش‌های ساختاری و چالش‌های عملکردی جای



تصویر ۵. کدگذاری گزینشی در نرم‌افزار اطلس‌تی.

ملزومات دستیابی به الگوی شهر ایرانی اسلامی است.

بعد چالش‌های ساختاری

در این بعد به ضعف در سازوکارها و فرایندهای نهادی و اجرایی نظام شهرسازی ایران پرداخته می‌شود. بی‌عدالتی و نابرابری، ضعف در حوزه‌های معرفتی و فرهنگی، تضعیف سرمایه اجتماعی و مسائل اقتصادی از دیگر مشکلات ساختاری می‌باشند که بهبود در این حوزه‌ها می‌تواند زمینه و بستر لازم را جهت تحقق الگوی شهر ایرانی اسلامی مهیا کند.

بنا بر مصاحبه‌های صورت گرفته، یکی از مشکلات اساسی در نظام شهرسازی ایران، عدم اجرایی شدن اسناد فرادست است که این امر می‌تواند دلایل متنوعی داشته باشد؛ از جمله فقدان نظارت و کنترل صحیح در راستای پیاده‌سازی اسناد، تغییرات زیاد مدیریتی، عدم پاسخگویی مدیران به دلیل عدم محقق کردن برنامه‌ها، کلی بودن برنامه‌های مصوب و عدم ارائه راهکارهای اجرایی و...، که این موضوع سبب شده است قوانین بالادستی مصوب در حوزه الگوی شهر ایرانی اسلامی تحقق عینی پیدا نکنند. تعدد نهادهای قانون‌گذار یکی دیگر از چالش‌های ساختاری است؛ به صورتی که گاهی توسط نهادهای مختلف در یک حوزه، قوانین متفاوتی وضع شده که این قوانین با یکدیگر در تعارض‌اند.

از دیگر مشکلات ساختاری، بی‌عدالتی و نابرابری است. رویکردهای غیرعادلانه در توزیع ثروت و خدمات، عدم توجه به خواسته‌های اقشار مختلف جامعه و تجاوز به حقوق دیگران از جمله مهم‌ترین موارد در این مقوله هستند. مسائل اقتصادی از جمله رویکرد اقتصاد سرمایه‌داری در نهادهای فرادست، مشکلات اقتصادی مردم و نگاه اقتصادی و تجاری صرف به فضاهای شهری از مشکلات ساختاری در حوزه اقتصاد است که یکی از عوامل عدم تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی است.

مقوله دیگر در حوزه مشکلات ساختاری، تضعیف سرمایه اجتماعی؛ به عنوان مشخصه میزان ارتباطات و تعاملات مردم و همکاری و مشارکت آنها در حل مسائل اجتماعی، است. مشارکت پایین شهروندان یکی از مهم‌ترین موارد مطرح‌شده در این حوزه است که این امر می‌تواند به دلیل عدم احساس هویت و تعلق شهروندان نسبت به محل سکونت خود، عدم اعتماد آنها به مسئولین، عدم آگاهی کافی شهروندان از مسائل حکمرانی

شود. بی‌توجهی نظام آموزشی به مبحث هویت ایرانی اسلامی در معماری و شهرسازی، ترجمه‌ای و تقلیدی بودن سرفصل‌های درسی و ضعف پژوهش در حوزه شهرسازی و معماری ایرانی اسلامی اصلی‌ترین چالش‌ها در بعد نظری می‌باشند.

همچنین تحلیل روایت‌ها حاکی از آن است مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه نظام شهری اسلامی متناسب با زیست‌بوم ایران، از اتقان کافی برخوردار نبوده و مطالعات عمدتاً به صورت پراکنده انجام گرفته‌اند و مبانی نظری و فلسفی جامع و منسجمی در حوزه شهرسازی اسلامی ارائه نشده است. لزوم شناخت دانش بومی شهرسازی و الگوهای شهری گذشته در پهنه ایران زمین از جمله مکتب اصفهان و معاصر سازی آن‌ها برای شرایط روز از دیگر موارد مطرح شده در کلام مصاحبه‌شوندگان در این حوزه است. ضروری است جهت پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی اسلامی، سیاست‌ها و چارچوب‌های اجرایی جهت ارائه به نهادهای مجری توسط دانشگاه‌ها و مراکز علمی تدوین گردیده و خلأ موجود میان حرفه و دانشگاه برطرف گردد.

بعد چالش‌های تقنینی

در این بُعد به مسائل مربوط به حوزه قانون‌گذاری، تدوین قوانین و ضوابط، و مشکلات و مسائلی که در مبحث ضوابط و مقررات شهری وجود دارد، پرداخته می‌شود. این مبحث به انحای مختلف در گفته متخصصین و مدیران اجرایی مورد تأکید قرار گرفت.

از بررسی این بعد چنین برمی‌آید که ضوابط و مقررات جامع و کاملی در حوزه الگوی شهر ایرانی اسلامی تا کنون تدوین نشده و ضوابط تصویب شده در این حوزه نیز اجرایی نشده‌اند. در مواردی قوانین مصوب در نهادهای بالادستی از جمله شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در تعارض با آموزه‌های اسلام بوده‌اند که ضروری است اقدامات لازم جهت اصلاح این دسته از قوانین صورت پذیرد. پراکندگی و تکرار در ضوابط و مقررات، تضاد و تعارض میان آنها و تغییرات مکرر ضوابط از جمله علل نابسامانی در شهرهای ما بوده‌اند که لازم است با تبیین درست جایگاه نهادهای فرادست و ایجاد یکپارچگی و هماهنگی میان آنها به سوی پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی اسلامی گام برداشت. لزوم توجه به کرامت انسانی و هویت ایرانی اسلامی در قانون‌گذاری‌ها از دیگر نکات مورد اشاره در مصاحبه‌ها و از

ایرانی - اسلامی در طرح‌های توسعه شهری و عدم ساخت فضاهای شهری با هویت ایرانی - اسلامی است. لازمه پیاده‌سازی هویت ایرانی - اسلامی در کل فضای شهر، ابتدا پیاده‌سازی آن در فضاهای محدود و موضعی است که در این حالت با درک مطلوبیت این گونه فضاها توسط شهروندان، این امر به خواست و مطالبه عمومی تبدیل شده و زمینه پیاده‌سازی آن در کل فضای شهری مهیا می‌شود.

بی‌توجهی به کرامت انسانی در طرح‌های توسعه شهری نظیر عدم توجه به مسیر پیاده و توسعه شهری بر مبنای گسترش خودروهای سواری، از چالش‌های اشاره شده توسط متخصصان و مدیران حوزه مسائل شهری در این دسته است. همچنین در شهرهای کنونی در برخی موارد کاربری‌های ناسازگار در کنار یکدیگر شکل گرفته‌اند؛ برای مثال در برخی محلات، فعالیت‌هایی نظیر صافکاری‌ها و ضایعاتی‌ها در بافت مسکونی وجود دارند که مشکلاتی را برای ساکنان آن محلات به وجود آورده است. همچنین در شهرهای کنونی در بسیاری موارد در کنار مساجد، کاربری‌های تجاری که تناسبی با عملکرد آن فضا ندارند، شکل گرفته است که لازم است مکانیابی درستی برای ساخت مساجد و کاربری‌های مذهبی صورت پذیرد. در یک شهر اسلامی، محوریت فعالیت‌ها در محلات و تسلط کالبدی در فضاهای شهری با مساجد است.

عملکرد مدیران، مجریان و نهادهای بالادستی در حوزه سیاست‌گذاری و اجرا نیز مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. در این حوزه لازم است مدیران و مجریان از فهم درستی در خصوص دانش بومی شهرسازی، و معماری و شهرسازی اسلامی برخوردار باشند تا زمینه عینیت بخشیدن به الگوی شهر ایرانی اسلامی مهیا گردد.

عدم حضور متخصصان آشنا با فرهنگ و هنر اسلامی در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران؛ به عنوان متولی اصلی و مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیرنده در امور شهرسازی و معماری کشور، و عدم توجه به معیارهای فرهنگی و هنری اصیل در نهادهای فرادست، نشان می‌دهد جهت محقق کردن الگوی شهر ایرانی اسلامی، لازم است اصلاحاتی در اعضا و رویکرد نهادهای فرادست صورت پذیرد. همچنین ضروری است نهادهای نظارتی بر اجرای ساختمان‌ها؛ نظیر شهرداری‌ها و سازمان نظام مهندسی، جواز ساخت‌وساز و صدور پروانه‌های ساختمانی را متناسب با هویت ایرانی اسلامی صادر نمایند.

و مدیریت شهری و ارتباطات و تعاملات پایین اجتماعی ناشی شود.

عدم بهره‌گیری از منابع و مبانی فرهنگ اسلامی و غرب‌زدگی و خودباختگی از دیگر چالش‌های ساختاری حاضر در حوزه مسائل فرهنگی و معرفتی است. در این زمینه تعارض الگوهای مدرنیستی حاکم بر شهرها با آموزه‌های اسلام سبب شده است مشکلاتی در شهرهای کنونی پدید آید که شهرهای ما نتوانند غایت خود در فراهم کردن محیطی برای رشد و کمال جامعه را محقق کنند.

بنابراین طبق مطالب عنوان شده، در الگوی شهر ایرانی اسلامی نه فقط کالبد، بلکه کلیه ساختارهای زیست جمعی افراد از جمله نظام اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... می‌بایست متناسب با آموزه‌های دین اسلام و مقتضیات کشور ایران شکل گیرد. ضروری است مشکلات ساختاری مطرح شده در حوزه‌های مختلف را با آسیب‌شناسی دقیق و سیاست‌گذاری صحیح برطرف نمود تا زمینه و بستر پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی - اسلامی فراهم گردد.

بعد چالش‌های عملکردی

دسته‌ای دیگر از مقولات و کدهای حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها در بعد عملکردی جای گرفتند. این بعد ناظر به عملکرد مدیران، برنامه‌ریزان و به طور کلی نهادهای اجرایی است. چالش‌های طرح‌های توسعه شهری به عنوان خروجی نظام شهرسازی، در این بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در این بعد چالش‌ها و نواقصی که در عمل و در فضای شهری شاهد آن هستیم؛ نظیر مشکلات کالبدی-فضایی، که خلاف اصول و مبانی الگوی شهر ایرانی - اسلامی است، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

عدم تعادل کالبدی در شهرها، ساخت‌وسازهای بی‌رویه، عدم ظهور و بروز نمادهای کالبدی اسلامی و وسعت کم خانه‌های امروزی از جمله مشکلات کالبدی-فضایی است که امروزه در شهرهایمان با آن مواجه‌ایم. همچنین به دلیل تراکم بالای ساختمان‌ها و بلندمرتبه‌سازی، اشراف خانه‌ها به یکدیگر بیشتر شده و نیز در معماری و طراحی ساختمان‌ها، حریم‌ها در فضای خصوصی منازل مسکونی رعایت نمی‌شود.

یکی دیگر از چالش‌های موجود در این حوزه که در مصاحبه‌های مختلف به آن اشاره گردید، بی‌توجهی به هویت



نتیجه‌گیری

جهت دستیابی به پرسش اصلی پژوهش، یازده مصاحبه با متخصصین و مدیران این حوزه صورت پذیرفت. افراد انتخاب شده جهت مصاحبه به صورت تخصصی و مستقیم با این حوزه در ارتباط بوده، لذا بیان آنها در این خصوص می‌تواند ما را هر چه بیشتر به واقعیت موضوع و چالش‌های موجود نزدیک کند. حاصل تحلیل مصاحبه‌ها دستیابی به ۱۳۳ کد، ۱۲ مقوله و ۴ بعد است. چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی در چهار حوزه چالش‌های نظری، چالش‌های تقنینی، چالش‌های ساختاری و چالش‌های عملکردی به دست آمد که در بخش یافته‌های پژوهش به تبیین هر یک از این ابعاد و مقولات و مهم‌ترین کدهای زیرمجموعه آنها پرداخته شده است. برخی از مهم‌ترین موانع عنوان شده جهت تحقق الگوی شهر ایرانی اسلامی در «تصویر ۷» به نمایش درآمده است. با توجه به نتایج تحلیل مصاحبه‌ها و مطالعات نظری صورت گرفته، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی و راهکارهایی جهت ایجاد زمینه و بستر مناسب به منظور پیاده‌سازی الگوی شهر ایرانی اسلامی ارائه می‌شود.

تبیین مبانی نظری و فلسفی الگوی شهر ایرانی اسلامی صورت گرفته و پژوهش‌های جامعی در راستای تدوین الگوی شهر ایرانی اسلامی با ارائه راهکارهای عملیاتی برای نهادهای اجرایی صورت پذیرد.

هر تمدنی ساختار و ساز و کار زیست جمعی و فضای زیست افراد جامعه را بر اساس آموزه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خود ایجاد می‌کند. از طرفی فضاها و عناصر شهری می‌تواند مردم را در شیوه زیست مورد نظر راهبری و کمک کند و به نوعی بر سبک زندگی آنها تأثیرگذار است. از این رو لازم است در گام دوم انقلاب اسلامی جهت حرکت به سوی برپاسازی تمدن نوین اسلامی، شهر و الگوهای توسعه آن را؛ به عنوان ساختار و سازوکار زیست جمعی افراد، بر اساس آموزه‌های اسلام و متناسب با زیست‌بوم ایران شکل داد. جهت دستیابی به چنین مدلی برای تدوین الگوی شهر ایرانی اسلامی، مطالعات زیادی تاکنون صورت گرفته است؛ هرچند آنچه تاکنون شده با آنچه باید بشود دارای فاصله‌ای زیاد است، اما نکته مغفول مانده در این بین بی‌توجهی به زمینه و بستر لازم جهت پیاده‌سازی این الگو است. ارائه توصیه‌ها و افق‌های مطلوب بدون توجه به واقعیت‌های موجود و روندهای نهادی و اجرایی نظام شهرسازی کشور، حاصلی در پی نخواهد داشت. بنابراین این پژوهش به منظور تعیین چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی با ارزیابی جامع از سازوکارهای نهادی و اجرایی ارکان نظام برنامه‌ریزی شهری کشور، به دنبال شناخت گلوگاه‌ها و حلقه مفقوده در عملیاتی کردن الگوی شهر ایرانی اسلامی است که در گذشته کمتر به آن پرداخته شده است.



تصویر ۷. چالش‌ها و موانع تحقق‌پذیری الگوی شهر ایرانی اسلامی.

– طراحی و اجرای طرح‌های موضعی و محدود بر اساس هویت ایرانی اسلامی نظیر طراحی و برنامه‌ریزی محلات الگو در گام اول صورت گرفته که در صورت درک مطلوبیت این گونه فضاهای شهری توسط شهروندان، این امر به خواست و مطالبه عمومی تبدیل شده و زمینه پیاده‌سازی آن در کل فضاهای شهری مهیا می‌شود.
– الزام تهیه طرح‌های توسعه شهری بر مبنای الگوی شهر ایرانی اسلامی و توجه به مبحث هویت ایرانی اسلامی در تهیه طرح‌ها.

– تشکیل کمیته ضوابط شهری اسلامی در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران با حضور کارشناسان و متخصصان حقوق اسلامی و معماری و شهرسازی، جهت اصلاح و بازنگری ضوابط شهری در تعارض با آموزه‌های اسلام و ارائه قوانین و مقررات شهری متناسب با مبانی اسلامی.
– انتخاب و به‌کارگیری مدیران متخصص و متعهد به هویت و ارزش‌های اسلامی و ایرانی.

فهرست منابع

ایمان، محمد تقی و محمود رضا نوشادی (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کیفی، نشریه عیار پژوهش در علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۲، ۴۴-۱۵.
بیات، بهرام (۱۳۹۴)، رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی، فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره ۴، شماره ۱، ۱۶۷-۱۳۷.
حبیبیان، هما، جلالیان، نسیم (۱۳۹۴)، تطبیق شاخص‌های شهرسازی اسلامی در فضای شهری، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، دوره ۱.
رضایی، محمود (۱۳۹۲)، ارزش‌های جاوید و جهانگستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرش‌های فراکالبدی و فرازمانی شهر اسلامی)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۵، شماره ۳، ۱۶۹-۱۹۰.
رفعیان، محسن (۱۳۹۵)، کیفیت معنای مکان‌های عمومی شهری در اندیشه اسلامی ایرانی، رساله دکتری رشته شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
کریمی، صدیقه، نصر، احمدرضا (۱۳۹۲)، روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه، نشریه عیار پژوهش در علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۱.
محمدی، جمال، مویدفر، سعیده، صفراآبادی، اعظم (۱۳۹۱)، شهر اسلامی، شهری ورای گنبد و مناره، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۹، ۳۶-۲۵.

مولانی، مرتضی (۱۳۹۶)، شهر اسلامی مقدمه تمدن اسلامی، همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، دوره ۱.
نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹)، تأملی در چیستی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۱، شماره ۱.
نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۴)، الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول شهر اسلامی، دوفصلنامه علمی تخصصی فیروزه اسلام پژوهش معماری و شهرسازی اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، ۸۰-۶۳.
نوری، محمد جواد (۱۳۹۷)، دین، سیاست، شهرسازی؛ تبیین جایگاه نظام شهرسازی و ویژگی‌های آن در حکومت‌های دینی مورد مطالعه نظریه حکومت اسلامی (ولایت فقیه) آیت الله خمینی (ره)، دوازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت.
هاشم پور، رحیم (۱۳۹۵)، معماری و شهرسازی اسلامی در فرم یا در معنا، فصلنامه معماری سبز، دوره ۲، شماره ۳، ۱۱-۱۸.
هاشمی طغرالجردی، سید مجید (۱۳۹۵)، ارزیابی و نقد مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری پیرامون هویت اسلامی شهرسازی و معماری ایران، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۴، شماره ۳، ۴۱-۲۲.